

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

نیت

در جلسات قبل عرض کردیم نماز مُقَدِّمات، مُقارِنات و تعقیباتی دارد. در مُقارِنات نماز، بحث نخست ما، اذان و اقامه بود. پس از آن خدا لطف کرد راجع به بحث نیت، نکات زیادی را خدمت عزیزان عرض کردیم. امیدواریم بتوانیم در این جلسه بحث نیت را تکمیل کنیم.

گفتیم نیت عزم و تصمیمی است که فرد بر انجام کار مشخصی می‌گیرد. این که عزم خود را جزم می‌کند بر این که کار معینی را برای نیل به هدف معینی انجام دهد؛ نیت است. در نیت دو چیز مطرح است؛ چه می‌کنم؟ برای چه می‌کنم؟

نیت جزء انفکاک ناپذیر افعال اختیاری

در تمام کارهای اختیاری ما نیت وجود دارد. همین که شما اینجا تشریف آورده‌اید، نیتی دارید؛ سر سفره می‌نشینید و غذا میل می‌کنید، نیتی دارید؛ به بستر می‌روید و می‌خوابید، نیتی دارید؛ به محیط کارتان می‌روید و فعالیت شغلی‌تان را انجام می‌دهید، نیتی دارید؛ به محلّ تحصیل می‌روید، درس می‌گیرید و درس می‌خوانید، نیتی دارید. انسان هیچ عمل اختیاری بی انجام نمی‌دهد، مگر این که یقیناً در آن نیت هست.

نیت چگونه شکل می‌گیرد؟ اول انسان انجام یک کار را تصوّر می‌کند؛ دوم، مفید بودن آن کار را تصدیق می‌کند؛ سوم در وجود خودش، به یک حکم و فرمان می‌رسد به این که لازم است

این کار را انجام دهد. وقتی این سه قدم برداشته شود، نیت خودبه‌خود در درون فرد شکل می‌گیرد. یک، تصوّر می‌کند در معرض انجام چه کاری است؛ دو، تصدیق به مفیدیت و سودمندی و فایده‌ی آن می‌کند؛ و سه، در درونش به لزوم و ضرورت انجام آن کار حکم می‌کند. بعد از این مراحل، نیت در درون انسان شکل می‌گیرد. تعبیرهای مختلفی برای آن وجود دارد؛ نیت یا تصمیم یا همّت و یا عزم؛ فرق نمی‌کند چه اسمی روی آن بگذارید. نیتی که در بحث نماز مطرح است، همین است. در تمام افعال اختیاری انسان نیت وجود دارد. هیچ فعل اختیاری بی‌نیت نیست که از انسان عاقلی سر بزند و در آن نیتی نداشته باشد. در همه‌ی کارهایی که انجام می‌دهید، نیت دارید؛ یعنی تصمیم گرفته‌اید کار معینی را برای رسیدن به هدف مشخصی انجام دهید. لازم هم نیست حتماً آن را به ذهن بیاورید یا به زبان جاری کنید؛ مثلاً بنشینید سر سفره، بگویید یک پُرس چلوکباب می‌خورم، به قصد سیر شدن! همین که بر سر سفره نشست‌اید و شروع کرده‌اید به خوردن چلوکباب؛ یعنی نیت چلوکباب خوردن دارید.

نیت فقط مربوط به ابتدای عمل نیست؛ تا وقتی این بشقاب را تمام کنید، نیتتان باقی است. قصد بر خوردن چلوکباب برای سیر شدن، نیت است. این در تمام افعال اختیاری انسان وجود دارد. محال است فعل اختیاری بی‌نیت از انسان سر بزند. در عبادات هم کاملاً همین طور است. یعنی این که من می‌خواهم برای نیل به نتیجه‌ی خاصی نماز بخوانم؛ به این تصمیم بر نماز خواندن برای رسیدن به یک نتیجه، نیت می‌گوییم. همین که شما بر سجّاده‌ات ایستاده‌ای و می‌خواهی تکبیرة الاحرام بگویی، نیت داری. این‌گونه نیست که بگویی اجازه بده قبل از تکبیرة الاحرام نیت کنم که چهار رکعت نماز ظهر به‌جا می‌آورم؛ آداءً واجباً قرّبَةً اِلَى اللّهِ؛ الله اکبر؛ بعد نماز را شروع کنی؛ به این شکل نیست. همین که ایستاده‌ای و نماز می‌خوانی؛

آمده‌ای نماز بخوانی. نرفته‌ای شنا کنی؛ نرفته‌ای غذا بخوری؛ نرفته‌ای تجارت کنی؛ داری نماز می‌خوانی. بعد هم برای چه نماز بخوانی؟ برای این که فرمان خدا را اطاعت کرده باشی؛ رضایت خدا را جلب کرده باشی؛ به خدا نزدیک‌تر شوی؛ این نماز فایده‌ی دیگری که برایت ندارد؛ این نیت است. نیت نماز از اوّل تا آخر نماز باید باقی باشد. نیت امری نیست که انسان فقط در ابتدای نماز داشته باشد. بعضی‌ها در نیت کردن به قدری وسواسی‌اند که عجیب و غریب است. خصوصاً بعضی‌ها که در صف اوّل نماز جماعت می‌ایستند؛ نسبت به نماز صفوف بعدی، جداً مَدیونند. چون یکی دو صف اوّل باید حتماً اقتدا کرده باشند تا افراد پشت سرشان بتوانند اقتدا کنند. اگر صفوف زیاد باشد، وقتی دو سه صف اوّل اقتدا کردند؛ صف‌های بعدی هم حالت آمادگی و تهییء برای اقتدا پیدا کردند؛ یعنی ایستادند و آماده شدند برای این که تَكْبِيرَةُ الاحرام بگویند، نمازگزاران صفوف پشت سرشان می‌توانند تَكْبِيرَةُ الاحرام بگویند. ولی یکی دو صف اوّل، حتماً باید بلافاصله بعد از امام تَكْبِيرَةُ الاحرام بگویند. بعضاً دیده‌ام در همان صف اوّل، پشت سر امام که معمولاً هم افراد مسن‌تر و موجه‌تر می‌ایستند؛ به قدری معطل می‌کنند که امام می‌خواهد مشغول خواندن سوره‌ی توحید شود؛ یا به رکوع برود؛ او تازه می‌گوید اللهُ أَكْبَرُ! صفوف قبلی که پیش از او اقتدا کردند، به امام اتّصال نداشتند و نماز آنها اشکال پیدا کرد و او مَدیون نماز همه‌ی آنها است. یعنی چه که فکر کنم بینم نیتم درست شد یا نه؛ یک‌بار دیگر بگویم! این خیلی مسخره است. نیت داشتن یک امر بدیهی در هر فعل اختیاری است.

از خنده‌دارترین و مسخره‌ترین وسواس‌هایی که شخص می‌تواند به آن مبتلا شود، وسواس در نیت است. اگر راست می‌گویی، بدون نیت کاری کن؛ نمی‌شود. هر کار انجام می‌دهی، نیتی

داری. وقتی هم که می‌خواهی نماز بخوانی، نیت و قصدی داری؛ می‌خواهی یک کار معین را برای یک هدف معین انجام دهی؛ همین کافی است. این که بایستم، نیت را از ذهنم عبور دهم یا به زبانم هم جاری کنم؛ لازم نیست. معلوم است داری نماز می‌خوانی؛ ورزش، بازی یا تجارت که نمی‌کنی؛ آمده‌ای نماز می‌خوانی. این که چرا نماز می‌خوانی؟ آمده‌ای نماز بخوانی که فرمان خدا را اطاعت کرده باشی. پس نیت داری.

از ابتدا تا انتهای عبادت، نیت باید محفوظ باشد؛ هر جا نیت خالصانه از بین برود، عبادت باطل شده است. نیت به عنوان یک امر مستمر، باید در طول عمل عبادی وجود داشته باشد.

اگر خدای ناکرده کسی مبتلا به وسواس در نیت است، باید بداند به چه امر مسخره‌ای مبتلا شده است. جز این نیست که شیطان او را بازی می‌دهد. اگر راست می‌گویی بدون نیت، کاری کن. آدم عاقل مختار، محال است بدون نیت کاری انجام دهد. اگر انسان مُدام شک کند که نیت کردم یا نه؛ نیتم درست شد یا نه؛ شیطان دارد او را بازی می‌دهد. تنها راه نجاتش هم این است که به شیطان بی‌اعتنایی کند. به شیطان و به نفسش بگوید نیت نشد که نشد؛ اصلاً من می‌خواهم نمازی که نیتش درست نیست بخوانم. اگر چند بار مخالفت کنید، وسواس از بین می‌رود. در تمام وسواس‌ها همین‌طور است. این وسواس خیلی مسخره است. کسانی که در بقیه‌ی اجزای نماز، در پاکی و نجسی و دیگر مسائل وسواس دارند؛ راه نجاتشان همین است. اشخاص وسواسی غالباً در این گونه امور وسواس پیدا می‌کنند؛ در مسائل مالی کمتر کسی وسواس پیدا می‌کند که مثلاً بگوید یک‌بار خمس داده‌ام، ولی معلوم نیست درست بوده باشد، پس یک‌بار دیگر هم بدهم! وسواس‌ها معمولاً در جاهایی مثل پاکی و نجسی و امثال اینهاست. پس مفهوم نیت روشن و مبین است.